

گزارش

وضعیت ساماندهی بافت فرسوده کرمان در گفت‌وگو با یک مقام مسوول

مردم در سرمایه‌گذاری مشارکت نکنند، نمی‌شود

■ **وحید قزایی:** مدتی است که بیش از گذشته از لزوم بهسازی در بافت‌های فرسوده شهری در کشور سخن به میان می‌آید. بخشی از شهرها قدمت زیادی دارند و کهنگی و فرسودگی نمایه آن است و از لحاظ تاریخی نیز واجد ارزش‌های آنچنانی نیست.

کرمان نیز به‌عنوان یکی از شهرهای تاریخی ایران در کنار بافت تاریخی و ارزشمند خود دارای بافتی فرسوده است که سال‌هاست نیازمند تحول و تغییر به وسیله نوسازی و بهسازی و استانداردسازی پارامترهای شهری است. در این بافت شهری چشم‌اندازهای آزاردهنده از مجموعه‌ای از سازه‌های قدیمی و در حال گسست، معابر کم عرض که در بسیاری از آنها تردد نیز مشکل شده است و افزایش جمعیت غیرایرانی و مهاجران افغانی باعث شده است تا بخشی از جمعیت خصوصا جوان‌ترها تمایل زیادی پیدا کنند تا به دنبال مسکنی برای زندگی در نقاط تازه‌ساز شهر باشند و همین خروج جمعیت و بی‌رونی باعث شده است تا دولت و شهرداری‌ها برای احیای این بخش‌های شهری اقدام به ارایه تسهیلاتی برای ترغیب شهروندان و سرمایه‌گذاران بخش ساخت و ساز برای حضور در این مناطق بکنند.

در عین حال بافت‌های فرسوده شهری همواره از مشکلات و معضلات اساسی مدیریت شهری به شمار رفته و مفهومی است که در سال‌های اخیر و خصوصا در نیمه اول دهه ۸۰ پس از زلزله بم تمرکز توجه مسوولان شهری را به خود اختصاص داده است.

شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران به عنوان یک زیرمجموعه وزارت مسکن و شهرسازی از سال ۱۳۷۶ تاسیس و رسیدگی به وضعیت بافت‌های فرسوده شهری را در دستور کار خود قرار داد اما بعد از وقوع زلزله مرگبار سم عملا متولی ساماندهی این وضعیت از شناسایی و آرايه راهکار و طراحی و شد. و برنامه‌هایی نیز در این راستا ارایه کرد. کارگزار این شرکت در کرمان شرکت مسکن‌سازان کرمان است که شهرداری، شرکت سرمایه‌گذاری استان کرمان (سهام طلایی)، شرکت سرمایه‌گذاری مسکن، شرکت مسکن‌سازان ایران و شرکت عمران و بهسازی شهری جزو سهامداران آن هستند.مدیرعامل شرکت مسکن‌سازان کرمان با اشاره به اینکه در کل کشور ۶۵ هزار هکتار بافت فرسوده شناسایی شده است می‌گوید: در شهر کرمان این رقم ۱۵۸۹ هکتار است که ۴۹۸ هکتار بافت تاریخی نیز در دل آن قرار دارد. در عین حال استان کرمان ۱۶ شهرداری با بافت فرسوده مصوب دارد، یعنی در ۱۶ شهر، بالای ۱۲هزار نفر بافت فرسوده وجود دارد که کل مساحت بافت فرسوده استان چهارهزار و شصت و دو هکتار است.
امیر دبلیی اظهار می‌دارد: در ابتدا بافت تاریخی موجود در شهرهای کشور و به تبع آن شهر کرمان مورد شناسایی قرار گرفته است و بعد از آن چگونگی انجام بهسازی و نوسازی آن توسط شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران بررسی و طرح‌های تفصیلی تهیه شده و مرحله سوم هم مداخله برای انجام بهسازی و نوسازی بوده است. وی با بیان این مطلب که بازسازی هر هکتار بافت فرسوده نیازمند ۱۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری است، عنوان می‌کند: ناکفته پیداست که هزینه‌کرد این مبلغ در کل کشور برای هیچ دولتی امکان‌پذیر نیست و بنابراین بازسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده بدون مشارکت و همکاری مردم غیرقابل تحقق است.

دبلیی در همین مورد اضافه کرد: برای جلب مشارکت مردم بسته‌های تشویقی قابل‌توجهی برای افرادی که قصد بازسازی و نوسازی در بافت قدیم دارند از سوی دولت در نظر گرفته شده است. مثلا صدور پروانه توسط شهرداری‌ها در بافت فرسوده با ۵۰درصد تخفیف صورت می‌گیرد، وام‌های ارزان قیمت بدون سپرده‌گذاری به متقاضیان واگزار می‌شود، کمک ودیعه دو ساله مسکن پرداخت می‌شود و حتی قرار است اشتغال خدمات زیربنایی مثل آب و گاز و… به رایگان در اختیار متقاضیان قرار گیرد که البته این مورد هنوز اجرایی نشده است. او با اشاره به اینکه تاکنون سه هزار فقره وام برای متقاضیان در بافت‌های فرسوده استان کرمان پرداخت شده است و می‌گوید: امسال به صورت ویژه این بسته‌های تشویقی ارایه می‌شود و انتظار می‌رود مردم از این فرصت مناسب برای دریافت این بسته‌ها استفاده کنند چرا که شاید در آینده چنین تسهیلاتی ارایه نشود. دبلیی همچنین می‌گوید: طرح تفصیلی بافت قدیم شهر کرمان نیز در اسفند سال ۱۳۸۸ به شهرداری ابلاغ شده است و بدین‌ترتیب ساکنان بافت قدیم نیز با توجه به این طرح می‌توانند از تسهیلات استفاده کنند. وی می‌افزاید: بافت فرسوده شهر کرمان بسیار وسیع است و هنوز اثرات عینی ارایه این بسته‌های تشویقی و تسهیلات به چشم نمی‌آید اما با افزایش مشارکت مردم، تغییرات اساسی در وضعیت شهر کرمان خصوصا در بافت‌های فرسوده دیده خواهد شد. در این میان باید عنوان کنم که تا مشارکت و خواست مردم نباشد حرکت سریع‌تر در این مسیر امکان‌پذیر نیست.

او در مورد وضعیت بافت قدیم نیز عنوان می‌کند: تعیین حد درجه یک و دو در محدوده بافت تاریخی که عملا همپوشانی هم دارند توسط سازمان میراث فرهنگی انگیزه و رغبت سرمایه‌گذاران را برای حضور در این بافت کم کرده است و سرمایه‌ها سر از قسمت‌های دیگر شهر در می‌آورد. دبلیی در این مورد می‌افزاید: خوشبختانه طرح تفصیلی بافت قدیم بخشی از مشکلات و محدودیت‌های موجود را تعدیل کرده است و امیدواریم در بافت قدیمی که رغبت برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کم است و میراث فرهنگی هم سرمایه‌گذاری نمی‌کند وضعیت بهبود یابد.

■ سازمان کتابخانه و اسناد ملی ایران اعلام کرده آرشيو ملی بریتانیا بیش از ۷۰هزار برگ سند از اسناد مشروطه را در اختیار این سازمان قرار داده است. این امر مرسومي است که آرشيو، بخشی از سندهای تاریخی خودش را در اختیار یک سازمان اسنادی در کشور دیگری بگذارد؟

اساسا آرشيو ملی بریتانیا هیچ سندی را در اختیار و تملک سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران قرار نداده و اصل هیچ سندی هم از بریتانیا به ایران منتقل نشده است. در سخنان اخیر رییس محترم جدید سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران هم این‌گونه نیامده بود. واقعیت امر این است که تعدادی از پژوهشگران، به سرپرستی و هدایت من، با یک برنامه‌ریزی مفصل تحقیقاتی خصوصی و براساس یک طرح پیشنهادی، اسناد سال‌های

آغازین انقلاب مشروطیت ایران محفوظ در آرشيو ملی بریتانیا را پس از یک پژوهش دقیق، شناسایی و گزینش کرده و تصاویر دیجیتالی و کپی کاغذی آن را، به تدریج، برای استفاده عموم محققان و علاقه‌مندان ایرانی به آرشيو ملی ایران منتقل کرده‌اند. این اسناد شامل کل اسناد مربوط به ایران در قسمت‌های مختلف شناخته‌شده و ناشناخته آرشيو ملی بریتانیا در سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ است. در اصل قرار بود این طرح، اسناد تا سال ۱۹۱۰ را هم در برگرد که عملا به دلایل مختلفی (عمدات از بین رفتن انگیزه مسوولان آرشيو ملی ایران برای ادامه کار و کمبود بودجه)، این کار متوقف ماند. کل اسناد مشروطیت در آرشيو ملی بریتانیا حدود ۱۴۰هزار برگ است که به این ترتیب تقریبا نیمی از کل اسناد دوران مشروطیت به ایران منتقل شده است. با توجه به دقت عمل صورت گرفته می‌توان ادعا کرد تقریبا اکنون هیچ سندی درباره تحولات ایران در سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ در آرشيو ملی بریتانیا نیست که تصویر دیجیتالی و کپی آن در آرشيو ملی ایران نباشد. به نظر من این آغاز خدمتی مهم و درازمدت به محققان ایرانی است که به دلایل مختلف از جمله تنگناهای مالی و محدودیت‌های مختلف سفر به بریتانیا (عمدتا به دلیل سخت بودن اخذ وادید)، امکان دسترسی مستقیم به اصل اسناد را ندارند.

■ **چطور کشوری مانند بریتانیا در دورانی که از لحاظ وضعیت سیاسی با ایران دچار تنش است این تعداد سند را مبادله می‌کند؟**

هیچ مبادله‌ای در این مورد صورت نگرفته است. مبادله اسناد به معنای سبند دادن، در ازای سند گرفتن است. حال آنکه اساس چنین قراردادی بین آرشيوهای ایران و بریتانیا در این باره وجود ندارد و این پروژه توسط افراد و موسسه‌ای خصوصی به انجام رسیده است. این موضوع امری کاملا اکادمیک و فرهنگی است و ربطی هم به روابط سیاسی موجود بین دو کشور هم ندارد. علاوه بر آن، گرچه آرشيو ملی بریتانیا اساسا در انجام این پروژه مستقیما دخیل نبوده، ولی با توجه به تلاش مسوولان و کارکنان آن، تسهیلات روافزونی که برای خدمات آرشيو به عموم محققان قابل می‌شوند، از انجام چنین پروژه‌هایی توسط پژوهشگران مستقل از سراسر دنیا استقبال می‌کنند.

■ **شيوه انتقال این مجموعه اسناد چگونه بوده است؟**
من از حدود ۲۰سال قبل، یکی از آرزوهایم ارایه راهکاری به عموم پژوهشگران ایرانی برای استفاده است و بی‌محدودیت از اسناد آرشيوهای انگلیسی‌زبان بوده است. تا حدود هشت سال قبل دستیابی به این آرزو کار ساده‌ای نبود؛ چراکه به دلیل وجود سیستم سنتی کپی‌برداری یا میکروفیلم یا میکروفیلیم و همچنین غیردیجیتالی و کاغذی بودن کاتالوگ‌ها و فهرست‌های اسناد، هم شناسایی و دسترسی به مجموعه‌ها سخت بود و هم تصویربرداری از اسناد سخت، وقت‌گیر و پرهزینه. از آن زمان به بعد، به تدریج تحول اساسی در امر تصویربرداری از اسناد در آرشيوهای جهان رخ داده و انصافا آرشيو ملی بریتانیا در این زمینه پیشاهنگ بوده است. حدود هشت سال قبل برای نخستین‌بار اجازه ورود دوربین‌های عکاسی شخصی به تالار مطالعه اسناد و تصویربرداری از اصل اسناد، توسط دوربین شخصی مراجعان عادی داده شد. البته همچنان ورود سه پایه‌های شخصی و اسکنر به دلایل فنی مختلف به داخل آرشيو ممنوع است.

مدتی پس از انجام این تسهیلات، آقای علی‌اکبر اشعری به سمت رییس سازمان اسناد و کتابخانه ملی



مجید تفرشی درباره اعلام انتقال ۷۰ هزار برگ سند دوره مشروطه به ایران:

اصل اسناد در انگلیسی است

فرزانه ابراهیم‌زاده

رییس سازمان کتابخانه و مرکز اسناد ملی ایران در نشست مطبوعاتی‌ای که روز چهارشنبه ۲۶ مرداد برگزار کرد، از بازگشت بیش از ۷۰هزار برگ از اسناد دوران مشروطه خبر داد؛ اسنادی که بی‌تردید می‌تواند بخشی ناگفته تاریخ مشروطه را روشن کند. با این همه رییس کتابخانه ملی در مورد نحوه بازگشت این اسناد به ایران اشاره‌ای نکرده است. دکتر مجید تفرشی، پژوهشگر ایرانی آرشيو ملی بریتانیا که در ابتدا در جریان آورده شدن این اسناد به ایران بود، بخشی از نکات ناگفته انتقال این اسناد به ایران را بازگو کرده است. نکته مهم در گفت‌وگو با تفرشی این است که این اسناد بین دو آرشيو ردوبدل نشده است و آرشيو ملی بریتانیا نقش زیادی در جابه‌جایی آنها نداشته است. این اسناد ایرانی که ساکن لندن است در گفت‌وگویی اینترنتی درباره چگونگی تصویربرداری و اهمیت این اسناد توضیح داده است.

ایران برگزیده شد. من با معرفی و همراهی دوستی فرهیخته طرح انتقال تصاویر دیجیتالی اسناد بین‌المللی مربوط به تاریخ ایران به کشور را با آقای اشعری مطرح کردم. او نیز به سرعت و اجمال ایده تصاویر انتقال اسناد تاریخی از بریتانیا به ایران را پسندید. این نظر با سفر او به لندن و بازدید رسمی‌ای که از منابع آرشيو ملی بریتانیا داشت، جدی‌تر شد. سازمان اسناد و من، چند پیشنهاد مختلف برای آغاز همکاری داشتیم که نهایتا دوره مشروطیت به‌خصوص با توجه به نزدیکی آن زمان به یکصدمین سالگرد انقلاب مشروطیت مورد قبول طرفین واقع شد. طبق معمول، امور اداری، مالی و اجرایی بریتانیا در این باره وجود ندارد و این پروژه توسط افراد و موسسه‌ای خصوصی به انجام رسیده است. این موضوع امری کاملا اکادمیک و فرهنگی است و ربطی هم به روابط سیاسی موجود بین دو کشور هم ندارد. علاوه بر آن، گرچه آرشيو ملی بریتانیا اساسا در انجام این پروژه مستقیما دخیل نبوده، ولی با توجه به تلاش مسوولان و کارکنان آن، تسهیلات روافزونی که برای خدمات آرشيو به عموم محققان قابل می‌شوند، از انجام چنین پروژه‌هایی توسط پژوهشگران مستقل از سراسر دنیا استقبال می‌کنند.

■ **شيوه انتقال این مجموعه اسناد چگونه بوده است؟**
من از حدود ۲۰سال قبل، یکی از آرزوهایم ارایه راهکاری به عموم پژوهشگران ایرانی برای استفاده است و بی‌محدودیت از اسناد آرشيوهای انگلیسی‌زبان بوده است. تا حدود هشت سال قبل دستیابی به این آرزو کار ساده‌ای نبود؛ چراکه به دلیل وجود سیستم سنتی کپی‌برداری یا میکروفیلم یا میکروفیلیم و همچنین غیردیجیتالی و کاغذی بودن کاتالوگ‌ها و فهرست‌های اسناد، هم شناسایی و دسترسی به مجموعه‌ها سخت بود و هم تصویربرداری از اسناد سخت، وقت‌گیر و پرهزینه. از آن زمان به بعد، به تدریج تحول اساسی در امر تصویربرداری از اسناد در آرشيوهای جهان رخ داده و انصافا آرشيو ملی بریتانیا در این زمینه پیشاهنگ بوده است. حدود هشت سال قبل برای نخستین‌بار اجازه ورود دوربین‌های عکاسی شخصی به تالار مطالعه اسناد و تصویربرداری از اصل اسناد، توسط دوربین شخصی مراجعان عادی داده شد. البته همچنان ورود سه پایه‌های شخصی و اسکنر به دلایل فنی مختلف به داخل آرشيو ممنوع است.

مدتی پس از انجام این تسهیلات، آقای علی‌اکبر اشعری به سمت رییس سازمان اسناد و کتابخانه ملی

ایران برگزیده شد. من با معرفی و همراهی دوستی فرهیخته طرح انتقال تصاویر دیجیتالی اسناد بین‌المللی مربوط به تاریخ ایران به کشور را با آقای اشعری مطرح کردم. او نیز به سرعت و اجمال ایده تصاویر انتقال اسناد تاریخی از بریتانیا به ایران را پسندید. این نظر با سفر او به لندن و بازدید رسمی‌ای که از منابع آرشيو ملی بریتانیا داشت، جدی‌تر شد. سازمان اسناد و من، چند پیشنهاد مختلف برای آغاز همکاری داشتیم که نهایتا دوره مشروطیت به‌خصوص با توجه به نزدیکی آن زمان به یکصدمین سالگرد انقلاب مشروطیت مورد قبول طرفین واقع شد. طبق معمول، امور اداری، مالی و اجرایی بریتانیا در این باره وجود ندارد و این پروژه توسط افراد و موسسه‌ای خصوصی به انجام رسیده است. این موضوع امری کاملا اکادمیک و فرهنگی است و ربطی هم به روابط سیاسی موجود بین دو کشور هم ندارد. علاوه بر آن، گرچه آرشيو ملی بریتانیا اساسا در انجام این پروژه مستقیما دخیل نبوده، ولی با توجه به تلاش مسوولان و کارکنان آن، تسهیلات روافزونی که برای خدمات آرشيو به عموم محققان قابل می‌شوند، از انجام چنین پروژه‌هایی توسط پژوهشگران مستقل از سراسر دنیا استقبال می‌کنند.

ایته این طرح دشمنان زیادی هم داشت. عده‌ای از روی نادانی و عده‌ای از روی پخل. عده‌ای این کار را بیپهوه و آن را بی‌ارزش می‌دانستند. عده‌ای مدعی بودند که خودشان به سادگی بلد هستند این کار را انجام دهند و نیازی به یک تیم از آن سوی دنیا برای انجام این کار نیست و برخی هم که بیشتر در قسمت‌های اجرایی، اداری و مالی بودند، از هیچ کوششی برای جلوگیری از انجام این کار یا متوقف کردن آن در میانه راه خودداری نکردن.

من در طول ۲۰سال اخیر، بارها و بارها با محققان

و مسوولان فرهنگی ایرانی، در این باره گفت‌وگو کرده‌ام و آرزویم برای انتقال تصویر این اسناد سه ایران را با آنان

در میان گذاشتم. متأسفانه برای من مشخص شده که برخورد مسوولان فرهنگی ایرانی با این قبیل پروژه‌های

میراث



مجید تفرشی درباره اعلام انتقال ۷۰ هزار برگ سند دوره مشروطه به ایران:

در جریان بوده است. براساس اطلاعات مندرج در سایت سازمان اسناد بخش عمده اسناد مربوط به کنسولگری‌های بریتانیا و اسناد خلیج‌فارس و جزایر سه‌گانه است. آیا این اسناد پیش از این منتشر نشده‌است؟

همان طور که گفتم اسناد موجود فعلا مربوط به سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ است. بر اساس برآوردی که کردم، حدود ۷۰درصد از این مجموعه اسناد، در هیچ پژوهش داخلی یا خارجی مورد استفاده مستقیم واقع نشده است. حدود هفت‌درصد از قسمت‌های مختلف این اسناد تاکنون توسط موسسات تجاری انتشاراتی خارجی به صورت کتاب یا میکروفیش منتشر شده‌اند و حدود پنج‌درصد از آنها در دو مجموعه «کتاب آبی» و «تاریخ استقرار مشروطیت در ایران» مستقیما ترجمه و در ایران منتشر شده‌اند. بنابراین می‌توان به جرات گفت که بیش از ۹۰درصد از اسناد این مجموعه تاکنون نه در ایران و نه در خارج از ایران منتشر نشده‌اند.

■ **اهمیت این اسناد در چیست؟**

بدون تردید، این اسناد جزو مهم‌ترین منبع تاریخ ایران به شمار می‌روند. این اسناد شامل گزارش‌های خفیه‌نویسان محلی از ولایات مختلف، گزارش‌ها و تحلیل‌های کنسولگری‌های بریتانیا از سراسر ایران، گزارش‌های سیاسی، اجتماعی، امنیتی و دیپلماتیک سفارت در تهران، گزارش‌های وزارت خارجه، وزارت جنگ، وزارت بازرگانی، هیات دولت و دفتر نخست‌وزیر بریتانیا، مکاتبات و مراسلات فارسی با مقامات ایرانی و عریضه‌های ایرانیان همراه پاسخ آنها و همچنین عکس‌ها، اسناد، اتودها و نقشه‌های بارزش جغرافیایی آن دوران به زبان‌های انگلیسی، فارسی و بعضا فرانسه است. بدیهی است که مانند هر مجموعه سند رسمی دیگر، این گزارش‌ها نیز بعضا از اشتباه، بدفهمی یا حب و بغض مومن نیستند. با این همه، مجموعه اسناد آرشيو ملی بریتانیا درباره مشروطیت ایران، یکی از مهم‌ترین منابع در این باره محسوب می‌شود. این اهمیت هم از جهت اطلاعات ریز تاریخی (در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی) است، هم از نظر بررسی موشکافانه وقایع و هم شناخت سیاست‌ها و نقشه‌های بیگانگان به‌خصوص بریتانیا در برخورد با تحولات ایران و انقلاب مشروطیت است.

■ **آیا نقش انگلستان در مشروطه ایران در این اسناد مشخص شده است؟**

بله، در مجموع می‌توان با بررسی این اسناد به سیاست‌های حکومت‌د و راهبردی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بریتانیا در ایران و به‌خصوص اختلاف دیدگاه‌های دولت، وزارت خارجه و وزارت مستعمرات در آن روزگار پی برد. به خصوص در تغییر مواضع بریتانیا از ابتدای انقلاب مشروطیت که لندن عمدتا به دلیل رقابت با روسیه تزاری از مشروطیت حمایت کرد تا عقد قرارداد ۱۹۰۷ و تقسیم ایران به سه منطقه زیر نفوذ بریتانیا، روسیه و بی‌طرف که به شدت موجب خشم و نفرت مردم و آزادی‌خواهان ایران شد.

■ **نکته قابل توجه در موضوع اسناد گفته شده است که بخشی از اسناد مربوط به خلیج‌فارس و جزایر سه‌گانه است. چطور این اسناد به ایران بازگشته است؟**
همه اسنادی که شناسایی، گزینش، تصویربرداری و به ایران منتقل شده‌اند، جزو اسناد آزاردهنده و علنی آرشيو ملی بریتانیا هستند و هیچ‌گونه منع و محدودیتی در تصویربرداری و استفاده از آنها وجود نداشته است. اسناد مربوط به تحولات خلیج‌فارس هم از این دست هستند. در این مجموعه در همان دوره زمانی سه‌ساله درباره تحولات خلیج‌فارس هم مطالب بسیاری است. البته مجموعه اسناد بسیار مهم مربوط به تحولات جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، به خصوص در دوره عاده حاکمیت آنها توسط ایران، از نظر زمانی و تاریخی جزو این مجموعه نبوده و در این مجموعه قرار ندارند.

■ **آیا این پروژه ادامه خواهد یافت؟**

کوتاه سخن اینکه فعلا هیچ قراری برای ادامه این نوع همکاری‌ها وجود ندارد. ولی به نظر ما توجه به حجم انبوه سه تا چهار میلیون برگ اسناد مهم موجود درباره تاریخ ایران در آرشيو ملی بریتانیا که مربوط به تحولات ۵۰۰سال اخیر کشورمان و عمدتا تحولات سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی است، ادامه این نوع همکاری‌ها ضروری و ناگزیر است.

نگاه

تلگراف مارلینگ به عالیجناب ادوارد گری راه‌پریچ و خم اسناد ملی

■ قشون شاه مردم را از عمارت مجلس و مسجد خارج کرده و اتجمن آذربایجان را منهدم نمودند. شاه سعیدعبدالله و شیخ‌الرییس و ۱۰ نفر دیگر از روسای مشروطیون (مشروطه) را دستگیر کرده است. من به وابسته نظامی که امشب در تهران توقف خواهد کرد، دستورالعمل داده‌ام که اگر ممکن می‌شود، نگذارند که کسی در سفارت تحصن اختیار کند.

اینکه دستور ساززدافر سفارت بریتانیا مبنی بر بستن درهای سفارت در روزهای گرم و پهراس ابتدای تیر سال ۱۲۸۷ خورشیدی روی مردم هراسان پایتخت که هنوز به توپ بسته شدن خانه ملت در بهارستان و کشته و در بند شدن منتخبان مشروطه‌خواهان‌شان را باور نکرندن اجرا شد یا نه شاید امروز و اینجا نه برای شما و نه برای هیچ‌کس اهمیتی نداشته باشد اما من را زمانی در گریز با خودش کرده بود. پادم هست حدود ۱۱ و ۱۲سال پیش به عنوان دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران با گرایش تاریخ معاصر می‌خواستم برای یک کار پژوهشی درسی به دنبال پاسخ این پرسش که انگلیسی‌ها در جریان به توپ بسته شدن مجلس کجا بودند و چه نقشی بازی کردند، بودم. راستش را بخواهید کتاب‌های مختلفی را ورق زدم اما پاسخ قانع‌کننده‌ای حتی لایه لای نوشته‌های ادوارد پراخ در تاریخ انقلاب ایران نیافتم. به صورت طبیعی باید به سراغ منابع غیرکتاب می‌رفتم و بهترین منبع هم اسناد و گزارش‌های رسمی سفارت بریتانیا و وزارت امور خارجه ایران بود. مشخص است که اولین جایی که باید به آن مراجعه می‌کردم، سازمان اسناد ملی بود که آن روزها هنوز به طور کامل با کتابخانه ملی ادغام نشده بود و در یک ساختمان کوچک در خیابان ولی عصر خیابان به‌آفرید بود. اینکه در آن زمان چه پروسه‌ای طولانی طی شد تا بتوانم به بخش مطالعه اسناد برسم، خودش داستان دیگری دارد که در جای دیگری باید به آن اشاره می‌شد. مساله این بود وقتی بعد از یک هفته بوروبراسی اداری توانستم به فهرست اسناد موجود در این سازمان برسم متوجه شدم نه تنها هیچ سندی از وزارت امور خارجه ایران در فاصله سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۲ درباره حضور انگلیسی‌ها وجود ندارد، بلکه تعداد اسنادی که به عنوان پژوهشگری می‌توانست به آن دست پیدا کند درباره مشروطه انقدر مختصر است که ارزش صرف وقت را ندارد. در آنجا بود که متوجه شده اسنادی که می‌خواستم در مرکز دیگری مربوط به وزارت امور خارجه نگهداری می‌شود و دسترسی به آن سندها انقدر غیرقابل تصور بود که تقریبا داشتم از این موضوع صرف‌نظر می‌کردم که راهنمایی یک دوست من را به کتابخانه سفارت انگلستان و مجموعه کتاب‌هایی به نام کتاب آبی رساند که پاسخ این سوال و آن تلگرافی که در بالا به آن اشاره کردم، سال‌های زیادی بود که منتشر شده بود و خیلی راحت‌تر از آنچه خودم گمان می‌کردم، من را به پاسخ اصلی رساند. نکته جالب در این اسناد این بود که می‌شد به راحتی به نقش انگلیسی‌ها در ایران انقلاب مشروطه و به‌ویژه بخشی از اتفاقاتی که در آن روزها داشت شکل می‌گرفت، پی برد و به تئوری کار، کار انگلیس‌هاست خیلی صریح پاسخ می‌داد. اما این اسناد در سازمان اسناد ایران نبود و در سفارت انگلستان نگهداری می‌شد و خیلی راحت‌تر از روند اداری که در سازمان اسناد ملی و سایر مراکز اسنادی ایران که در صورت موری بخش مهمی از اطلاعات تاریخی را حبس کرده‌اند و در اختیار معدود کارشناس همراه خودشان قرار می‌دهند، قابل دسترسی بود. حالا رییس جدید سازمان کتابخانه و اسناد ملی ایران چند هفته پیش در یک نشست مطبوعاتی اعلام کرد که نزدیک به ۷۰ هزار برگ سند از اسناد انگلیسی‌ها در حدود سال‌های ۱۹۰۱ تا ۱۹۱۹ به مجموعه اسناد سازمان افزوده شده است. بازگشت یا افزوده شدن ۷۰ هزار برگ سند حتی اگر همه این اوراق اصل اسناد نباشد و کپی آنها باشد… که البته همه اصل اسناد نیستند- اتفاق بسیار مهمی است و نمی‌توان از کنارشان به راحتی گذشت. حداقل برای کسانی که می‌خواهند کار تخصصی در تاریخ داشته باشند، این نوید را دارد که اگر این اسناد در اختیار پژوهشگران قرار گیرد، می‌تواند نقاط تاریکی از تاریخ مشروطه ایران را روشن کند؛ اسنادی که حتی اگر محتوای آن را هم ندانیم و ندانیم که به چه طریق به آرشيو ملی ما افزوده شده‌اند، یکی از دوران‌های اصلی تاریخ ایران را روشن می‌کند.

اما موضوع مهمی که در این جریان وجود دارد، این است که آیا این اسناد که رییس سازمان کتابخانه و مرکز اسناد ملی گفته است که بازایی و فهرست‌سازی شده‌اند و در چرخه اسناد قرار گرفته‌اند، می‌توانند به راحتی در اختیار پژوهشگران قرار گیرند؟ پروسه‌ای که هر پژوهشگر تاریخ وقتی دارد به موضوع پژوهشی تازه می‌اندیشد، به آن فکر می‌کند. مشکل این است که در میان سازمان‌های اسنادی متعددی که در ایران وجود دارد و مدارک تاریخی را به صورت پراکنده نگهداری می‌کنند، دسترسی به اسناد تاریخی تقریبا محال و ممکن است. اگر کسی رد یک مجموعه یا حتی یک برگ سند را در یکی از این مراکز – البته به جز سازمان اسناد ملی – بتواند پیدا کند، معلوم نیست که حتی بتواند آن را ببیند، چه برسد به اینکه بخواهد کپی

از آن داشته باشد.